

احتمال تکرار فاجعه در ولایت هلمند

علی قادری



طالبان موفق شود که برخی از ولسوالی های ولایت هلمند را سقوط دهد و تحت کنترل خود در آورد. بنابراین، بعید نیست که رویداد ولایت کنسندز یک بار دیگر در ولایت هلمند تکرار شود و ولایت هلمند به دست گروه طالبان بیافتد.

فراموش کنیم که جنگ در ولایت هلمند در سال های گذشته پرهزینه و دشوار بوده است. بنابراین، پس گرفتن ولسوالی های از دست رفته نیز سخت و هزینه بردار است. بنابراین، لازم است که از هم اکنون، توجه جدی به ولایت هلمند صورت گیرد. حکومت چند اقدام را در قبال ولایت هلمند می تواند انجام دهد. قرار دادن تجهیزات بیشتر در اختیار سربازان در میدان جنگ در ولایت هلمند، فرستادن نیروی جدید و حمایتی و کمکی از جمله اقدامات است که حکومت وحدت ملی می تواند انجام دهد. در کنار این مسئله اما، لازم است که از نیرو های ناتو نیز استفاده گردد تا با حملات هوایی بر مواضع گروه طالبان ضربه سنگین بر این گروه وارد نماید تا این گروه را تضعیف سازد و نیرو های امنیتی کشور به آسانی قادر به پاک سازی و شکست گروه طالبان گردد. فراموش نکنیم که مبارزه و جنگ به گروه طالبان در ولایت هلمند در طول سال های گذشته سخت و دشوار بوده است بنابراین، بدون حمایت نیرو های بین المللی امکان شکست این گروه دشوار است. بنابراین، حکومت باید تلاش نماید تا نیرو های بین المللی را متقاعد سازد که بر مواضع این گروه حمله نماید.

بنابراین، لازم است که اقدامات اساسی و جدی برای حمایت نیرو های امنیتی کشور در ولایت هلمند صورت گیرد. در غیر این احتمال آن وجود دارد که رویداد کنسندز یک بار دیگر در ولایت هلمند تکرار شود. قبل از آن که دیر شود، حکومت وحدت ملی باید اقدامات مذکور را روی دست گیرد تا هلمند فاجعه انسانی در هلمند به وقوع نپیوندد.

نیازمندی های جنگی گروه طالبان را تأمین می کرده است. این مسائل به ما گوشزد می کند گروه طالبان بر ولسوالی ها ولایت های که در آن عواید داشته باشد، حملات خود را افزایش می دهد و تا در آینده بتواند نیازمندی های خود را از عواید داخلی به دست آورد. فراموش نکنیم که گروه طالبان اگر چه به دو شاخه تقسیم شده است اما هر دو شاخه استراتژی واحد را برای تصاحب و افزایش عواید خود دنبال می کند. در این مسئله هر دو گروه اشتراک نظر دارند. ممکن است حمله آن ها به شکل جداگانه صورت گیرد اما آنچه اهمیت دارد این است که هر دو و قاجاق مواد مخدر صورت می گیرد، برنامه های برای حمله و گسترش نفوذ خود دارد. پورورکراسی به معنی طنزآمیز آن در ساختار حکومت وحدت ملی اما، کمک بزرگی به گروه طالبان می کند. چنانچه، رسول یار، معاون والی هلمند در نامه سرگشاده خود به رئیس جمهور نگاشته است که اطلاعات از اجرای اداری و رسمی آن طور که باید به

بیشتر کرده است. زیرا، نزدیکی افغانستان به پاکستان و فشار های بین المللی بر حکومت پاکستان مبنی بر کمک و حمایت از روند صلح در افغانستان ممکن موجب کاهش کمک سازمان های استخباراتی نظامی پاکستان به گروه طالبان گردد. از این جهت، گروه طالبان برای ادامه حیات سازمان و گروه خود نیازمند به منابع مالی جدید است. از آنجایی که در شرایط کنونی، کمک های بیرونی سخت و دشوار شده است به احتمال زیاد گروه طالبان به دنبال منابع مالی داخلی است. کشت و قاجاق مواد مخدر مهمترین منبع مالی بین المللی در این ولایت باعث شده است که این ولایت مهمترین مکان برای تأمین نیازمندی های گروه طالبان و دیگر گروه های دهشت افکن قرار گیرد. زیرا، گروه طالبان از فروش مواد مخدر در این ولایت سود می برد. به همین خاطر، گروه طالبان در سال های گذشته بیشترین سعی و تلاش نمودند تا نفوذ خود را در این ولایت گسترش دهد. در مقابل اما، جامعه جهانی و حکومت افغانستان نتوانستند گروه طالبان را در این ولایت ضعیف سازد. بنابراین، ولایت هلمند از این جهت برای گروه طالبان اهمیت استراتژیک دارد.

روند صلح و نزدیکی افغانستان و پاکستان اهمیت ولایت هلمند را برای گروه طالبان

فشار های کشورهای همسایه ایالات متحده آمریکا و چین بر پاکستان مبنی بر حمایت از روند صلح در افغانستان احتمال کاهش کمک های پاکستان به گروه طالبان می رود و همین مسئله گروه طالبان را وادار می سازد تا به دنبال منابع داخلی باشد. از طرف دیگر، کاغذبازی و برخورد تساهل گرایانه در ارگ ریاست جمهوری و سانسور کردن گزارش ها موجب می شود که گروه

تحلیل هویتگرایی افراطی با استفاده از تئوری انتخاب عقلانی

مجتبی محکم / قسمت چهارم



او را قادر ساخته است که یک رفتار ناچار را به طور کلی از میان رفتارهای حذف کند. از سوی دیگر، ناچار بودن برای برخی ویژگی های هویتی، معمولاً رخ نمی دهد؛ چرا که این نوع ویژگی های هویتی به اجبار کسب نمی شوند. مثلاً کسی را نمی توان به داشتن یک هویت منسوب مجبور کرد. ولی برخی ویژگی های هویتی معمولاً به ناگزیر کسب می شوند مانند هویت های مذهبی یا قومی. بنابراین رفتارهای هویتی مذهبی یا قومی رفتارهایی ناچار محسوب می شوند. نکته قابل توجه در اینجا، آن است که ناچار بودن، وضعیتی نسبی است و در رابطه میان یک رفتار مشخص با امکانات اختصاصی به انجسام کل رفتارها معین می شود. به بیان دیگر، از سویی یک رفتار ممکن است برای یک شخص ناچار باشد و برای شخص دیگر ناچار نباشد و از سویی دیگر، یک شخص ممکن است با توجه به مقدار امکاناتش، قادر باشد، یک رفتار ناچار را به طور کلی از میان رفتارهای حذف کند.

تا اینجا شرط اول بروز رفتار هویتی افراطی که همان ناچار بودن است، شناسایی شد. در مرحله دوم لازم است، اختصاص بخشی اساسی از امکانات به رفتار هویتی ناچار را توضیح دهیم.

هر شخص در طول زمان، برای معرفی خودش به خود و دیگران، رفتارهای هویتی مختلفی را از خود بروز می دهد. مثلاً هنگامی که یک شخص با خودش حرف می زند، خود را به عنوان گویشور آن زبان به خودش معرفی می کند یا هنگامی که یک آهنگر در کارگاهش به آهنگری مشغول است، خود را به عنوان دارنده مشخصه هویتی آهنگری، به دیگران معرفی می کند.

در واقع هر شخص از زمان و نیرویی که در اختیار دارد، برای معرفی خود به دیگران رفتارهای هویتی مختلفی را از خود بروز می دهد. اگر این شخص امکانات خود را به شیوه ای به این رفتارهای هویتی اختصاص دهد که بخشی اساسی از این امکانات، صرف انجام رفتار هویتی خاصی شود و آن رفتار هویتی، رفتاری ناچار باشد، زمینه مساعد برای افراطگرایی او فراهم آمده است. در واقع شدیدترین حالت ممکن آن است که یک شخص برای خود، یک مشخصه هویتی اصلی در نظر گرفته باشد که آن مشخصه هویتی یک مشخصه هویتی ناچار محسوب شود؛ در این وضعیت زمینه های مساعد برای افراطگرایی شدن این شخص، فراهم است. مثلاً کسی که هویت قومی یا مذهبی اش را مشخصه هویتی اصلی خود تلقی می کند سایر مشخصه های هویتی خود را به اندازه آن مشخصه ناچار تلقی نمی کند، در معرض افراطی گری قومی می

رفتاری امکان تبدیل شدن به رفتار افراطی را دارد که اول آن رفتار، رفتاری ناچار باشد و ثانیاً بخشی اساسی و غیر قابل حذف از امکانات را به خود اختصاص داده باشد. رفتار ناچار، رفتاری است که هر چه از امکانات شخص کاسته می شود، وی آن رفتار را بیشتر انجام می دهد و هر چه امکانات یک شخص افزایش می یابد، کمتر آن رفتار را از خود بروز خواهد داد. اختصاص بخشی اساسی از امکانات به رفتار ناچار نیز، نشان دهنده این است که رفتار کننده نمی تواند رفتار دیگری را جانشین آن سازد. به عبارت دیگر رفتار افراطی، چنان درجه ای از ناچاری را داراست که (در هنگام افزایش فشار) رفتار دیگری را نمی توان جایگزین آن کرد.

در واقع شخص هنگام مواجه شدن با افزایش فشار حاصل از انجام چنین رفتارهایی است که انجام این نوع رفتارها را افزایش می دهد. توجه به این وضعیت با استفاده از تئوری اقتصاد خرد به این گونه است که در این شرایط، وقتی شخص با افزایش فشار مواجه می شود، به این دلیل که از

رفتاری امکان تبدیل شدن به رفتار افراطی را دارد که اول آن رفتار، رفتاری ناچار باشد و ثانیاً بخشی اساسی و غیر قابل حذف از امکانات را به خود اختصاص داده باشد. رفتار ناچار، رفتاری است که هر چه از امکانات شخص کاسته می شود، وی آن رفتار را بیشتر انجام می دهد و هر چه امکانات یک شخص افزایش می یابد، کمتر آن رفتار را از خود بروز خواهد داد. اختصاص بخشی اساسی از امکانات به رفتار ناچار نیز، نشان دهنده این است که رفتار کننده نمی تواند رفتار دیگری را جانشین آن سازد. به عبارت دیگر رفتار افراطی، چنان درجه ای از ناچاری را داراست که (در هنگام افزایش فشار) رفتار دیگری را نمی توان جایگزین آن کرد.

در واقع شخص هنگام مواجه شدن با افزایش فشار حاصل از انجام چنین رفتارهایی است که انجام این نوع رفتارها را افزایش می دهد. توجه به این وضعیت با استفاده از تئوری اقتصاد خرد به این گونه است که در این شرایط، وقتی شخص با افزایش فشار مواجه می شود، به این دلیل که از

گفتن به یک زبان، نشان دهنده هویت زبانی شخص است. بنابراین شخصی که می تواند به چندین زبان سخن بگوید، دارنده چندین هویت زبانی است. همچنین یک شخص اگر چه یک هویت قومی را از خانواده به ارث می برد، اما می تواند رفتار هویتی سایر اقوام را نیز انجام دهد و مثلاً می تواند لباس محلی قوم دیگری را به تن کند.

با تلفیق تعریف رفتار افراطی و رفتار هویتی، تعریف رفتار هویتی افراطی حاصل می شود. «رفتار هویتی افراطی، رفتاری هویتی است که هر چه شخص انجام دهنده رفتار، فشار و سختی بیشتری به دلیل انجام آن رفتار متحمل شود، آن رفتار را بیشتر انجام می دهد.» مثلاً اگر کسی به دلیل شرکت در آیین های قومی تحت فشار قرار گیرد و در واکنش به این فشار، وقت بیشتری را صرف حضور در آیین ها کند، رفتار هویتی افراطی انجام داده است. اما اگر این شخص با وجود این فشارها، مقدار حضورش را در این مراسمها تغییر ندهد یا از آنها بکاهد، در این صورت، این رفتار هویتی اش افراطی نیست. به عبارت دیگر فقط رفتارهایی در زمره رفتارهای هویتی افراطی قرار می گیرند که در واکنش به فشارهای بیرونی و در جهت مخالف خواسته آن فشار باشند و اگر فشار بیرونی هیچ اثری بر رفتار هویتی شخص نگذارد، آن رفتار هویتی نیز، افراطی محسوب نمی شود.

شرایط بروز رفتار هویتی افراطی همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، با اینکه بررسی شرایط بروز رفتار افراطی با استفاده

از تئوری اقتصاد خرد، در همه زمینه همه رفتارهای انسانی امکانپذیر است، اما بنابر اقتضائات این پژوهش، حیطه بررسی را به رفتار هویتی محدود کرده ایم.

برای اینکه بتوانیم شرایط بروز رفتار هویتی افراطی را بررسی کنیم، لازم است در ابتدا «رفتار هویتی ناچار» را شناسایی کنیم. آنگاه به ایسن موضوع بپردازیم که اختصاص بیشترین امکانات به رفتار هویتی به چه نحوی است و در پایان به این نکته بپردازیم که افزایش فشار در زمینه رفتار هویتی به چه معناست.

بنا به تعریف، یک رفتار وقتی ناچار تلقی می شود که هر چه بر امکانات شخص افزوده می شود، شخص آن رفتار را کمتر انجام می دهد. بنابراین رفتار هویتی ناچار نیز به هویتی مربوط می شود که هر چه امکانات فرد افزایش می یابد، فاصله گرفتن از آن هویت و انجسام ندادن رفتارهای مرتبط با آن هویت، برای شخص امکان پذیر تر باشد.

مثلاً هر شخص معمولاً به زبان خانواده ای مشغول است، خود را به عنوان دارنده مشخصه هویتی آهنگری، به دیگران معرفی می کند.

در واقع هر شخص از زمان و نیرویی که در اختیار دارد، برای معرفی خود به دیگران رفتارهای هویتی مختلفی را از خود بروز می دهد. اگر این شخص امکانات خود را به شیوه ای به این رفتارهای هویتی اختصاص دهد که بخشی اساسی از این امکانات، صرف انجام رفتار هویتی خاصی شود و آن رفتار هویتی، رفتاری ناچار باشد، زمینه مساعد برای افراطگرایی او فراهم آمده است. در واقع شدیدترین حالت ممکن آن است که یک شخص برای خود، یک مشخصه هویتی اصلی در نظر گرفته باشد که آن مشخصه هویتی یک مشخصه هویتی ناچار محسوب شود؛ در این وضعیت زمینه های مساعد برای افراطگرایی شدن این شخص، فراهم است. مثلاً کسی که هویت قومی یا مذهبی اش را مشخصه هویتی اصلی خود تلقی می کند سایر مشخصه های هویتی خود را به اندازه آن مشخصه ناچار تلقی نمی کند، در معرض افراطی گری قومی می

تعریف رفتار هویتی بر اساس تعریف رایج شده در این پژوهش، رفتار افراطی به موضوعات مرتبط با هویت، محدود نمی شود و حیطه ای گسترده ای از علوم انسانی همچون سیاست، اقتصاد و حقوق را در برمی گیرد؛ اما با هدف محدود کردن حیطه مورد بررسی، پژوهش حاضر، به بررسی شرایط بروز رفتار هویتی افراطی اختصاص یافته است.

مفهوم هویت در حقیقت پاسخی به سوال چه کسی بودن و چگونه شناسایی شدن است. پاسخی به این سوالات است که یک فرد انسانی را از همنوع خود متمایز می نماید. (زهیسی، ۱۳۷۹: ۱۸۹)

پرسش از هویت، پرسش از ارزشها و نتایجهای افراد در گروه های متفاوت است. افراد با داشتن هویت های گوناگون و شناسایی خود در قالب هویت های رقیب، همیشه در پی ایجاد تمایز بین خود و دیگران بوده اند. (ایمان، ۱۳۹۲: ۱۲۸)

بنابراین هویت علاوه بر اینکه بر اندیشه یک فرد تأثیر می گذارد، رفتار او را نیز متأثر می کند. به عبارت دیگر هویت هم اثر درونی برای یک شخص دارد و هم نمود بیرونی که این نمود بیرونی است که تمایز میان اشخاص با هویت های مختلف را آشکار می سازد.

در این پژوهش، رفتار هویتی این گونه تعریف می شود: «رفتاری هویتی است که آن رفتار، ویژگی هویتی شخص رفتار کننده را نشان دهد.» مثلاً انجام مناسک مذهبی، نشان دهنده هویت مذهبی شخص انجام دهنده است. همچنین سخن

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷

سرمقاله

آمار، اساس برنامه ریزی و مدیریت

حفیظ الله ذکی

افغانستان یکی از کشورهای فقیر و عقب مانده دنیا است. افغانستان در طول تاریخ خود حتا یک حکومت دلسوز، آزادی خواه و توسعه طلب را تجربه نکرده است. وقتی میان حکومت ها از برخی به نیکی یاد می شود به معنای آن نیست که آن حکومت واقعا خوب کار کرده است؛ بلکه این داوری ها بیشتر بر مبنای مقایسه میان حکومت های افغانستان صورت می گیرد که بعضی از آنها نسبت به حکومت های قبلی و بعدی شان خوبتر بوده اند. افغانستان کشوری دارای ذخایر بی شمار زیر زمینی است که ارزش آنها به بیشتر از سه تریلیون دلار می رسد. حکومت افغانستان هنوز سروری دقیقی از داشته های روی زمینی و زیر زمینی اش ندارد و آنچه را به عنوان آمار ثبت و اعلام می کند، اغلب متکی بر گزارش سازمان ملل متحد، سازمان ها و کشورهای خارجی دیگر می باشد.

کارهای تحقیقاتی و از جمله آمار و ارقام هنوز در افغانستان جایگاهی را پیدا نکرده است. سیاست ها و پلان گزاره ها با متکی بر گزارش های خارجی است و یا بر حدس و گمان مقامات و دست اندرکاران اداره مربوطه استوار می باشد. به همین خاطر بسیاری از مسایل حساس و مهم کشوری به دلیل نبود آمار و ارقام درست از نظر عموم پنهان می ماند و بسیاری از سو استفاده ها و خیانت ها در فضای ابهام آلود و ناشفاف به راحتی توجیه می شود. این بار نیز این سازمان ملل متحد است که باید آمار افراد نیازمند در افغانستان را اعلام کند. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در گزارش تازه خود اعلام کرده است که ۷.۴ میلیون نفر در افغانستان در رویداد های مختلف طبیعی و جنگ صدمه دیده اند و به کمک های فوری بشردوستانه نیاز دارند. براساس این گزارش در یک سال گذشته هزاران انسان به دلیل ادامه جنگ و فقر در افغانستان قربانی شده و یا محلات اصلی زندگی شان را ترک کرده اند. حوادث طبیعی نیز خسارات زیادی به افغانها رسانده است. این آمار خاطر نشان کرده است که در افغانستان دو میلیون نفر به امراض ساری و غیر ساری مبتلا هستند.

این آمار و ارقام شبیه این که از سوی حکومت افغانستان و سازمان های معتبر بین المللی در موارد مختلف منتشر می شود، واقعا تکاندهنده است. از میان بیست میلیون نفر وقتی هشت میلیون آن به کمک های فوری و اضطراری نیاز داشته باشند و دو میلیون آن از بیماری رنج ببرند، دیگر نمی توان در این کشور به راحتی و آرامی زندگی کرد. جنگ و ناامنی، فقر و بیکاری، حوادث گوناگون طبیعی، فقدان امکانات اولیه صحتی و نبود درمانگاه ها و شفاخانه های مجهزی که بتوانند بیماران مختلف را در داخل کشور درمان کنند، از مشکلات اصلی برای مردم به حساب می آید. جنگ علاوه بر این که آسایش و آرامش فیزیکی و روانی تمام شهروندان را سلب کرده است، بر زندگی میلیون ها انسان این سرزمین تأثیر مستقیم برجا گذاشته است. آمار کشته ها، زخمی ها، معلولیت ها، مهاجرت ها و چور و چپاول ها که به صورت روزمره در کشور اتفاق می افتد، نشانه این است که سالانه چندین میلیون انسان این سرزمین به گونه ای قربانی این گونه خشونت ها و جنگ ها در افغانستان می گردند.

با تاراج میلیاردها دلار کمک های جامعه جهانی، اکنون افغانستان از نظر اقتصادی به وضعیت چهارده سال قبل نزدیک شده است. ناامنی، قوانین کهنه و پیچیده اداری، بروکراسی، فساد و فقدان میکانیسم نظارت و کنترل بر کارکرد ادارات، سبب فرار سرمایه از کشور گردیده و روند سرمایه گذاری در کشور را مختل ساخته است. عدم بازسازی زیربنایهای اقتصادی و توجه به مسایل روزمره و امورات مصرفی، زمینه های اشتغال و کارایی را محدود ساخته و بر جمعیت بیکاران افزوده است.

با این همه مهم این است که این آمارها در نهایت به برنامه ریزی و ارایه راه حل های کوتاه مدت و دراز مدت از سوی حکومت بینجامد و به نیازمندی های میلیون ها انسان در آینده پاسخ داده شود. اگر آمار به بهبود وضعیت مدیریتی منجر نشود، سودی برای مردم افغانستان دربر نخواهد داشت.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com